

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال دهم، شماره ۱۹/۲۳۹ تیر ۱۴۰۴ / ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۵

فیلترینگ و مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها



در این شماره می‌خوانید:

فیلترینگ، ابزاری در دست دیکتاتورها برای تحدید جریان اطلاعات آزاد
از فیلتر تا پیگرد؛ نگاهی حقوقی به پلتفرم‌ها در ایران
پلتفرم‌ها در تنگنای قانون؛ فیلترینگ، مسئولیت و چالش‌های بین‌المللی
فیلترینگ و چالش‌های قانونی
فیلترینگ اینترنت، مصادق نقض آزادی‌های مشروع شهروندان

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تحریریه: نقی محمودی، علی‌اصغر فریدی و سیروان منصور

صفحه‌بندی: ماهر خوش‌قدم
تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

دولت‌ها یا نهادهای نظارتی انجام می‌شود تا از انتشار برخی مطالب جلوگیری کنند.



نقی محمودی

مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها
قوانین ایران در خصوص نقض تعهدات و مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها ساکت است اما شاید بتوان به وحدت ملاک برخی از مواد قانون جرائم رایانه‌ای مصوب سال ۸۸ و با اصلاحات بعدی، استناد کرد.

پلتفرم‌ها در مقابل محتوایی که کاربران منتشر می‌کنند، مسئولیت‌هایی دارند. در بسیاری از کشورها، قوانین مشخصی وجود دارد که تعیین می‌کند پلتفرم‌ها چه وظایفی در قبال محتواهای منتشر شده دارند. برای مثال، اگر یک پلتفرم محتواهای خلاف قانون را منتشر کند یا در انتشار آن‌ها کوتاهی کند، ممکن است مسئول شناخته شود و تحت پیگرد قرار گیرد.

در عین حال، بسیاری از قوانین، پلتفرم‌ها را از مسئولیت در قبال محتواهای کاربرانی که بدون اطلاع یا با نیت بد منتشر می‌کنند، معاف می‌کنند؛ البته با شرط همکاری در حذف محتواهای غیرقانونی پس از اطلاع.

مصادیق مجرمانه در خصوص نقض تعهدات پلاتفرم‌ها:

فیلترینگ چیست؟

فیلترینگ به فرآیندی گفته می‌شود که در آن دسترسی به برخی محتواها یا سایت‌ها محدود یا مسدود می‌شود. این اقدام معمولاً توسط

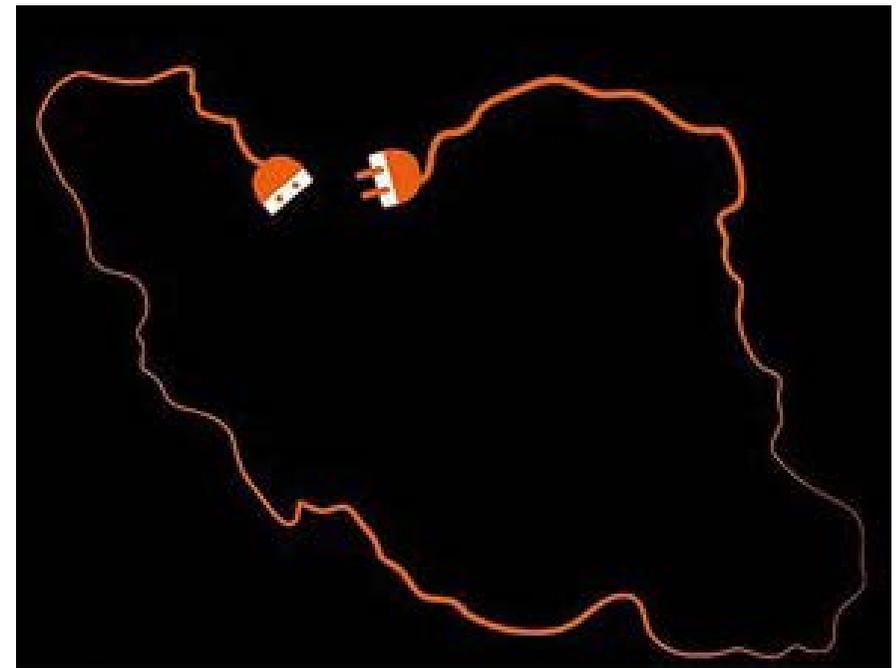
امروزه اینترنت و فضای مجازی نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره ما ایفا می‌کنند. این فناوری‌ها نه تنها راه ارتباطی میان افراد و جوامع را تسهیل کرده‌اند، بلکه در حوزه‌های مختلفی مانند آموزش، کسب‌وکار، سلامت، فرهنگ و حتی سیاست تأثیرگذار بوده‌اند.

پلتفرم‌های مختلف مانند شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری و فروشگاه‌های آنلاین، امکانات بی‌نظیری را در اختیار کاربران قرار می‌دهند. فضای مجازی، بستری مناسب برای کسب‌وکارهای نوپا و کارآفرینان است. با استفاده از اینترنت، افراد می‌توانند محصولات و خدمات خود را به بازارهای جهانی عرضه کنند، بدون نیاز به مکان فیزیکی و سرمایه‌گذاری سنگین اما با این امکانات، چالش‌هایی نیز به وجود می‌آید، یکی از مهم‌ترین آن‌ها موضوع فیلترینگ و مسئولیت حقوقی این پلتفرم‌ها است.

۱. انتشار محتوای غیرقانونی

پلتفرم‌های آنلاین معمولاً میزبان محتوای تولید شده توسط کاربران هستند؛ از قبیل پست‌ها،

فیلترینگ، ابزاری در دست دیکتاتورها برای تحدید جریان اطلاعات آزاد



نظرات و ویدیوها. ممکن است به واسطه یک پلتفرم برخط، محتوایی مجرمانه که باعث آزار و رنجش فرد و یا حتی عموم مردم جامعه شود، از قبیل افترا، توهین و نشر اکاذیب منتشر شود. از دیگر مصداق مجرمانه‌ای که ممکن است از طریق پلتفرم‌های برخط منتشر شود، نقض حقوق مالکیت فکری، ادبی و صنعتی اشخاص است. چالش اصلی در این زمینه، ایجاد و چگونگی برقرار کردن تعادل میان آزادی بیان و محدود کردن هر نوع محتوای مجرمانه است. در ایران، ایجاد تکلیف برای مدیران پلتفرم‌ها برای بازبینی و گزینش محتواها پیش از بارگذاری، به دلیل فرار مدیران از ریسک مسئولیت کیفری، ممکن است موجب کاهش تولید محتوا شود. در اتحادیه اروپا، قوانین جدیدی مانند «قانون خدمات دیجیتال (DSA)» پلتفرم‌ها را ملزم به اتخاذ رویه‌هایی برای حذف کالاهای غیرقانونی و محتوای مضر می‌کند.

۲. **نقض حریم خصوصی**

حریم خصوصی قلمرو زندگی هر فرد دانسته شده است که نوعاً یا عرفاً و یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، باقر، ۱۳۸۷،

حقوق ارتباط جمعی، تهران: انتشارات سمت، ص ۱۳۴).

آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، حریم خصوصی را قلمرویی از زندگی شخصی فرد معرفی کرده است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند؛ از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی به اطلاعات شخصی فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه حسب قانون، فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات.

پلتفرم‌ها ممکن است به دلیل نقض حریم خصوصی اطلاعات کاربران توسط خودشان یا توسط سایر کاربران مسئول شناخته شوند، به خصوص اگر فضای تسهیل‌کننده‌ای برای این نقض ایجاد کرده باشند.

۳. **نقض تعهدات فروشگاه‌های اینترنتی**

در ارائه کالاها و خدمات

فروشگاه‌های اینترنتی (Online Stores) یا بازارگاه‌ها، واسطه بین فروشندگان و خریداران هستند که مسئولیت آن‌ها در قبال کالاهای معیوب، تقلبی، یا خدمات نامناسب می‌تواند مطرح شود. در حقوق ایران، حقوق

ارتباط و ارتباطات جهانی

مصرف‌کنندگان الکترونیکی ذیل قانون تجارت الکترونیکی و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸ محافظت می‌شود. در اتحادیه اروپا نیز قوانین مربوط به پلتفرم‌های آنلاین و فروشگاه‌های اینترنتی در حوزه مسئولیت مدنی تجدید شده‌اند. یکی از مهم‌ترین تکالیف قانونی پلتفرم‌ها در این زمینه، تأمین کالا یا خدمت از تأمین‌کنندگان دارای مجوز است. پلتفرم‌های بزرگ ممکن است با کنترل بازار، مانع رقابت سالم شوند. نمونه‌هایی از شکایت‌های ضد انحصارطلبی، شکایت علیه شرکت‌هایی مانند گوگل و آمازون هستند. قوانین ضد انحصارطلبی در پی جلوگیری از سوءاستفاده پلتفرم‌ها از موقعیت غالب‌شان در بازار هستند.

ارتباط و ارتباطات جهانی یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اینترنت، امکان برقراری ارتباط سریع و آسان با افراد در سراسر جهان است. شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و ایمیل‌ها، ما را قادر می‌سازند تا در کمترین زمان ممکن با دوستان، خانواده و همکاران در ارتباط باشیم. این ارتباطات جهانی، فرصت‌های جدیدی برای تبادل فرهنگ، دانش و تجربیات فراهم کرده است.

دسترسی به اطلاعات و آموزش

اینترنت، منبع بی‌پایانی از اطلاعات است. با چند کلیک، می‌توان به مقالات، ویدئوهای آموزشی، دوره‌های آنلاین و منابع علمی دسترسی پیدا کرد. این امر، به ویژه در حوزه آموزش و پژوهش، فرصت‌های بی‌نظیری را برای یادگیری و توسعه فردی فراهم کرده است.

چالش‌ها و نکات مهم

تعادل بین آزادی بیان و محدودیت‌های قانونی نقش پلتفرم‌ها در نظارت بر محتوا

اهمیت شفافیت در سیاست‌های فیلترینگ و مسئولیت‌ها

تأثیر فیلترینگ بر حقوق شهروندی و دسترسی آزاد به اطلاعات

در نتیجه، فیلترینگ و مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها موضوعی پیچیده و چندوجهی است

که نیازمند توازن میان حفظ امنیت و آزادی‌های فردی است. قوانین باید به گونه‌ای باشد که هم

از حقوق کاربران محافظت کند و هم از انتشار محتوای مضر جلوگیری نماید

چالش‌ها و مسئولیت‌ها

در کنار این مزایا، فضای مجازی چالش‌هایی مانند حریم خصوصی، امنیت اطلاعات، انتشار اخبار نادرست و اعتیاد به اینترنت را نیز به همراه دارد. بنابراین، استفاده مسئولانه و آگاهانه از این فناوری‌ها اهمیت زیادی دارد.

در مجموع، اینترنت و فضای مجازی ابزارهای قدرتمندی هستند که اگر به درستی و با آگاهی

استفاده شوند، می‌توانند زندگی ما را بهتر، آسان‌تر و پربارتر کنند. آینده‌ای روشن‌تر در

انتظار ما است، به شرط آنکه بتوانیم از فرصت‌ها

بهره‌مند شویم و چالش‌ها را مدیریت کنیم.

فیلترینگ و سانسور: بررسی اثرات و چالش‌ها

اینترنت به عنوان یک منبع بی‌پایان از اطلاعات و ارتباطات، نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی ما ایفا می‌کند. اما در کنار این اهمیت، موضوع فیلترینگ و سانسور نیز همواره مورد بحث و مناقشه قرار دارد. این اقدامات ممکن است، به بهانه‌های مختلف و به منظور کنترل محتوا و حفظ امنیت ملی، فرهنگی یا اخلاقی صورت می‌گیرند، اما در عین حال، می‌توانند بر حقوق فردی، آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات تأثیر منفی بگذارند.

دلایل فیلترینگ و سانسور

دولت‌ها و نهادهای مسئول، معمولاً به دلایل مختلفی اقدام به فیلتر کردن سایت‌ها و محتوا می‌کنند. این دلایل شامل مواردی مانند جلوگیری از انتشار مطالب ضد امنیت ملی، محتوای غیراخلاقی، اخبار نادرست، تبلیغات مخرب، و حفظ ارزش‌های فرهنگی و دینی است. در برخی موارد، این اقدامات برای حفظ امنیت جامعه و جلوگیری از ترویج خشونت و نفرت صورت می‌گیرد.

اثرات مثبت و منفی فیلترینگ

از سوی دیگر، فیلترینگ می‌تواند در برخی موارد مفید باشد؛ مثلاً جلوگیری از دسترسی کودکان

به محتوای نامناسب یا کاهش انتشار اخبار جعلی. اما در مقابل، این اقدامات ممکن است منجر به محدودیت آزادی‌های فردی، کاهش شفافیت و اطلاع‌رسانی آزاد، و ایجاد حس نارضایتی و بی‌اعتمادی در جامعه شوند.

چالش‌ها و مسائل مربوط به سانسور

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فیلترینگ، امکان سوءاستفاده از آن برای کنترل افکار عمومی و سرکوب مخالفان است. در برخی کشورها، سانسور به عنوان ابزاری برای خاموش کردن صدای منتقدان و محدود کردن آزادی بیان استفاده می‌شود. این موضوع، نگرانی‌های جدی درباره حقوق بشر و دموکراسی را به همراه دارد.

راهکارها و آینده

برای مقابله با چالش‌های فیلترینگ و سانسور، نیاز است تا قوانینی عادلانه و شفاف وضع شود که حقوق فردی و آزادی‌های مدنی را حفظ کند. همچنین، آموزش عمومی درباره اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات و نقش رسانه‌های مستقل، می‌تواند در ترویج فرهنگ شفافیت و مسئولیت‌پذیری موثر باشد.

در نهایت، فیلترینگ و سانسور ابزارهایی هستند که در صورت استفاده مسئولانه و متعادل، می‌توانند به حفظ امنیت و ارزش‌های فرهنگی کمک کنند. اما اگر بیش از حد و بدون شفافیت اعمال شوند، ممکن است به حقوق فردی و

آزادی‌های اساسی آسیب برسانند. بنابراین، تعادل میان امنیت و آزادی، کلید حل این چالش است.

ابزار دولت‌های دیکتاتوری در سانسور

فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین بستری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، نقش حیاتی در شکل‌گیری افکار عمومی و انتقال اطلاعات دارد. اما در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهایی که حکومت‌های دیکتاتوری بر سر کار هستند، این فضا به عنوان ابزاری برای کنترل، سرکوب و محدود کردن آزادی‌های فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سانسور، ابزار کنترل و سرکوب دولت‌های دیکتاتور

با استفاده از سانسور در فضای مجازی، سعی

در کنترل کامل بر اطلاعات و افکار عمومی دارند. این نوع سانسور، شامل فیلتر کردن سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و هر نوع محتوایی است که ممکن است مخالف سیاست‌ها یا ارزش‌های حاکم باشد. هدف اصلی این نوع سانسور، جلوگیری از انتشار نظرات مخالف، سرکوب اعتراضات، و حفظ قدرت و کنترل بر جامعه است.

دلایل استفاده از سانسور در دیکتاتوری‌ها

دولت‌های دیکتاتور برای حفظ قدرت و جلوگیری از بیداری و آگاهی مردم، از سانسور به عنوان ابزاری برای خاموش کردن صدای مخالفان و محدود کردن دسترسی به اطلاعات استفاده می‌کنند. این اقدامات، مانع از شکل‌گیری آگاهی جمعی و سازماندهی اعتراضات می‌شود و جامعه را در تاریکی نگه می‌دارد. در این وضعیت، رسانه‌های مستقل و فعالان حقوق بشر با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند و آزادی بیان به شدت محدود می‌گردد. اثرات منفی سانسور در فضای مجازی از کشورها، به ویژه کشورهایی که حکومت‌های دیکتاتوری بر سر کار هستند، این فضا به عنوان ابزاری برای کنترل، سرکوب و محدود کردن آزادی‌های فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

متنوع دسترسی داشته باشند، و این امر، منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای بی‌اطلاع و کنترل شده می‌شود که در آن قدرت در دست چند نفر باقی می‌ماند.

راهکارها و اهمیت مبارزه با سانسور

برای مقابله با این وضعیت، نیاز است تا جامعه جهانی و فعالان حقوق بشر، از ابزارهای مختلفی برای حمایت از آزادی‌های دیجیتال و مقابله با سانسور استفاده کنند. آموزش عمومی درباره حقوق دیجیتال، توسعه فناوری‌های فنی برای عبور از فیلترها، و فشارهای بین‌المللی برای اصلاح قوانین، از جمله راهکارهای موثر هستند.

تجدید جریان آزاد اطلاعات با تصویب لایحه مقابله با اخبار خلاف واقع در فضای مجازی :



یکی از تلاش های اخیر جمهوری اسلامی در راستای جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات و سرکوب آزادی های اجتماعی، تصویب عجولانه ی لایحه ی مقابله با اخبار خلاف واقع است. لایحه ی مذکور در تاریخ هشتم تیرماه سال جاری، با قید دو فوریت در هیئت دولت تصویب و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی، ارسال شده بود که اخیراً در مجلس هم به تصویب رسید.

تصویب این لایحه در حالی صورت می گیرد که در حال حاضر، بسیاری از نویسندگان، روزنامه نگاران و فعالین اجتماعی، با ماده هیجده قانون جرائم رایانه ای به اتهام نشر اکاذیب محاکمه می شوند. نکته حائز اهمیت در این لایحه این که برای این اتهامات، حبس تا پانزده سال که در مقایسه با سایر مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مجازات بسیار سنگینی است، در نظر گرفته شده است.

مقابله با «بی اعتبارسازی نهادهای حاکمیتی و گزارش های رسمی، ایجاد ترس و وحشت عمومی، برهم زدن اجتماعی و تضعیف انسجام ملی» از طریق «نشر محتوای خبری تحریف شده و خلاف واقع» از جمله دلایل تدوین این لایحه ذکر شده است.

بر اساس این لایحه ی دولت، هرگونه اطلاعات خبری به هر صورتی درباره ی امور امنیتی و دفاعی، سیاسی و اداری، اقتصادی و بازرگانی، صنعتی و فناوری، فرهنگی و اجتماعی، سلامت و رفاه، آموزش و پژوهش و حقوقی و قضایی،

در هر قالبی، در مورد مصوبات، تصمیمات و اقدامات نهادهای حاکمیتی یا وابسته به حاکمیت و اظهارات مقامات و مسئولان محتوا تلقی می شود. در حقیقت، جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی و اظهار نظر شهروندان، روزنامه نگاران و فعالین سیاسی در فضای مجازی، از دلایل اصلی تدوین و تصویب لایحه ی مذکور است.

در متن این لایحه آمده است که هدف این مصوبه صیانت از سلامت و امنیت روانی جامعه و کاهش آسیب های موصوف از طریق تعریف و تعیین اقدامات پیشگیرانه و واکنشی و ارتقاء سطح مسئولیت پذیری و پاسخگویی هماهنگ و به هنگام برای مقابله با ناهنجاری ها و پیامدهای تولید و نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع است.

این در حالی است که نتیجه غائی از تدوین و

تصویب این لایحه، مخدوش شدن امنیت روانی جامعه و ایجاد رعب و هراس در میان شهروندان و تلاشی برای سرکوب آزادی و خفه کردن صدای هر گونه مخالف است.

نتیجه گیری

در نهایت، سانسور در فضای مجازی، به عنوان ابزار دولت های دیکتاتور، تهدیدی جدی برای حقوق بشر، آزادی های فردی و توسعه دموکراسی است. مبارزه با این نوع سانسور، نیازمند همکاری جهانی، آگاهی بخشی و تلاش مستمر است تا بتوان جامعه ای آزاد، شفاف و برابر را ساخت که در آن هر فرد حق دارد آزادانه به اطلاعات دسترسی داشته باشد.

کنترل اینترنت از طریق اقدامات سانسوری، تلاشی برای حفظ قدرت و خاموش کردن صداهای مخالف است اما تاریخ و تحولات

جاری نشان می دهد که مقاومت در برابر چنین اقداماتی ممکن است و اغلب نیز موفقیت آمیز است. استفاده از فناوری هایی مانند VPN، ابزارهای رمزگذاری شده و پلتفرم های غیرمتمرکز، به مردم در سراسر جهان امکان می دهد تا از سانسور عبور کرده و صدای خود را به گوش برسانند.

علاوه بر این، جامعه بین المللی مسئول است که فعالانه علیه محدودیت های آزادی های دیجیتال اقدام کند. از طریق فشار دیپلماتیک، حمایت از رسانه های مستقل و سازمان های حقوق بشری، و توسعه و ترویج فناوری هایی که سانسور را دشوارتر می سازند، می توان در حفظ آزادی در اینترنت نقش مؤثری ایفا کرد.

در نهایت، این وظیفه همه ما است (دولت ها، جامعه مدنی، شرکت های فناوری و هر فرد) که اصول آزادی بیان، شفافیت و ارتباط آزاد را حفظ کنیم. تنها با همکاری و تلاش مستمر است که می توانیم دنیایی دیجیتال بسازیم که در آن اطلاعات آزادانه جریان داشته باشد، نظرات محترم شمرده شوند و مردم بتوانند حقوق خود را بدون محدودیت اجرا کنند.

زیرا آزادی در فضای دیجیتال نه تنها یک حق است، بلکه پیش شرطی برای جامعه ای باز، عادلانه و پیشرفته است. مسئولیت مشترک ما است که این آزادی را حفظ کنیم و برای آینده ای مبارزه کنیم که در آن هر فرد به اطلاعات بدون سانسور دسترسی داشته باشد و صدای او شنیده شود.

شورای عالی فضای مجازی، قوانین مجلس شورای اسلامی و تصمیم نهادهای ذی ربط (زیرمجموعه‌های نهادهای بالادستی) انجام می‌شود.



علی‌اصغر فریدی

۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی مهم‌ترین مستند قانونی فیلترینگ، قانون جرایم رایانه‌ای است که به‌عنوان الحاقیه‌ای بر قانون مجازات اسلامی به شمار می‌رود. در ماده ۲۲ این قانون، تشکیل «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» پیش‌بینی شده است. این کارگروه مسئول شناسایی و اعلام محتوای غیرقانونی برای فیلتر و مسدودسازی است. محتوایی مانند خلاف عفت عمومی، توهین به مقدسات، نشر اکاذیب، تشویق به فساد یا فحشا، تحریک به اقدامات تروریستی، تبلیغ علیه نظام و اباحه‌گری محرمات به‌عنوان محتوای مجرمانه شناخته شده‌اند. علاوه بر این، دادستان کل کشور نیز می‌تواند شخصاً و بدون نیاز به مصوبه کارگروه، دستور فیلترینگ صادر کند.

در موارد اضطراری، قوه قضاییه با محوریت رئیس قوه می‌تواند به‌طور مستقیم اقدام به فیلترینگ جزئی یا گسترده کند.

۲. شورای عالی فضای مجازی

این شورا به‌عنوان نهاد بالادستی سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی، نقش مهمی در اعمال

فیلترینگ عملیاتی است که معمولاً توسط نهادهای دولتی انجام می‌شود و می‌تواند در سطح وبسایت‌ها، صفحات یا کل یک شبکه اجتماعی اعمال شود.

فیلترینگ به‌عنوان یکی از روش‌های کنترل محتوا در فضای سایبری در بسیاری از کشورها به دلایل مختلفی مثل حفاظت از حقوق کودکان، جلوگیری از انتشار محتوای مجرمانه و حفظ امنیت ملی اعمال می‌شود. مجله «حقوق ما» در گفت‌وگویی با افشین جعفری، وکیل دادگستری، به بررسی ابعاد حقوقی فیلترینگ، مسئولیت قانونی پلتفرم‌ها، نهادهای متولی فیلترینگ، چالش‌ها، نقدها و مقایسه وضعیت پلتفرم‌های داخلی و خارجی با تمرکز بر قوانین ایران پرداخته است.

مبنای قانونی فیلترینگ وبسایت‌ها و پلتفرم‌ها در ایران چیست و چه نهادهایی صلاحیت صدور دستور فیلترینگ را دارد؟

فیلترینگ وبسایت‌ها و پلتفرم‌های اینترنتی، بر اساس مبنای قانونی و به‌واسطه مصوبات

از فیلتر تا پیگرد؛ نگاهی حقوقی به پلتفرم‌ها در ایران





فیلترینگ دارد. تصمیماتی همچون فیلتر تلگرام، کلاب‌هاوس یا اعمال محدودیت بر اینستاگرام از اقدامات این نهاد بوده‌اند.

نهادهای امنیتی معمولاً به‌طور مستقیم دستور فیلترینگ صادر نمی‌کنند، اما با ارائه گزارش و اطلاعات لازم، زمینه‌ساز تصمیم نهادهای ذی‌صلاح برای فیلترینگ می‌شوند.

آیا پلتفرم‌های داخلی و خارجی به‌صورت یکسان مشمول مقررات فیلترینگ می‌شوند؟ خیر. در نحوه فیلترینگ پلتفرم‌های داخلی و خارجی تفاوت‌های اساسی وجود دارد:

پلتفرم‌های داخلی مشمول قوانین دقیق‌تر و جزئی‌تری هستند. آن‌ها ملزم به رعایت کامل قوانین جمهوری اسلامی ایران از جمله قانون جرایم رایانه‌ای، قوانین محتوایی، حریم خصوصی و امنیت هستند.

سرورها و دفاتر آن‌ها داخل کشور است، بنابراین نظارت مستقیم و دائم بر آن‌ها ممکن است. این پلتفرم‌ها موظف‌اند به درخواست نهادهای نظارتی و قضایی پاسخ دهند، اطلاعات کاربران را ارائه کنند یا محتوا را حذف نمایند.

در صورت تخلف، امکان تعلیق، لغو مجوز، اعمال جریمه یا فیلترینگ فوری وجود دارد. پلتفرم‌های خارجی نظیر اینستاگرام، تلگرام یا توئیتر به دلیل قرار داشتن سرورها در خارج از کشور، نظارت کامل بر آن‌ها دشوارتر است. در صورت عدم همکاری در حذف محتوا یا ارائه

اطلاعات کاربران، نهادهای داخلی مجبور به فیلتر کلی آن پلتفرم می‌شوند. این پلتفرم‌ها معمولاً به درخواست‌های نهادهای ایرانی پاسخی نمی‌دهند و دسترسی کاربران تنها با استفاده از فیلترشکن ممکن می‌شود.

مسئولیت مدنی یا کیفری مدیران پلتفرم‌ها در قبال محتوای کاربران، وفق قوانین ایران چیست؟

مطابق قانون مجازات اسلامی، شخص تنها زمانی به دلیل رفتار دیگری مسئول است که: قانوناً مسئول رفتار دیگری باشد یا در نتیجه آن رفتار، مرتکب تقصیری شود.

بر اساس قانون جرایم رایانه‌ای، اگر مدیر یک سامانه رایانه‌ای (مانند یک پلتفرم یا شبکه اجتماعی) از وقوع جرم آگاه باشد و اقدامی برای حذف محتوا نکند، ممکن است شخصاً

مگر آن‌که در ارتکاب جرم مشارکت یا معاونت داشته باشد.

با این حال، در قانون جرایم رایانه‌ای، اگر مدیر پلتفرم با علم به جرم، اقدامی برای حذف یا محدودسازی محتوا انجام ندهد، ممکن است مسئول شناخته شود.

بنابراین، در حالت کلی کاربر مسئول است، مگر آن‌که مدیر پلتفرم آگاهانه در انتشار یا تداوم محتوای مجرمانه همکاری کرده باشد.

آیا قانون جرایم رایانه‌ای ایران مسئولیت‌های خاصی برای پلتفرم‌ها در نظر گرفته است؟

بله، مهم‌ترین مسئولیت‌هایی که قانون جرایم رایانه‌ای برای پلتفرم‌ها پیش‌بینی کرده شامل موارد زیر است:

- همکاری با کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه

- پاسخ‌گویی مدیر سامانه در صورت آگاهی از جرم رایانه‌ای

- حفاظت از داده‌های کاربران و رعایت حریم خصوصی

این مسئولیت‌ها باید با همکاری کامل با نهادهای نظارتی، قضایی و امنیتی همراه باشد. در غیر این صورت، مدیران پلتفرم ممکن است مشمول مجازات‌های کیفری یا مسئولیت مدنی شوند.

مسئولیت کیفری داشته باشد.

در حوزه مسئولیت مدنی نیز، مطابق قانون مسئولیت مدنی ایران، اگر مدیر پلتفرمی در اثر بی‌توجهی یا ضعف نظارت باعث ضرر به افراد شود (مثلاً نشر افترا یا توهین)، موظف به جبران خسارت است، مشروط بر اینکه رابطه مستقیم میان عملکرد او و ضرر وارده اثبات شود.

در صورت انتشار محتوای مجرمانه در یک پلتفرم، مدیر پلتفرم مسئول است یا کاربر منتشرکننده؟ قانون در این زمینه چه می‌گوید؟

اصل در حقوق کیفری ایران، بر مسئولیت شخصی است. به این معنا که کاربر منتشرکننده مسئول محتوای مجرمانه است. مطابق اصل شخصی بودن مجازات‌ها، کسی را نمی‌توان به‌خاطر جرم دیگری مجازات کرد،

علی اصغر فریدی

(۱۳۹۶)، مصوبات شورای عالی فضای مجازی، و بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با فیلترینگ

با گسترش روزافزون دسترسی به اینترنت و توسعه می‌شود.

پلتفرم‌های دیجیتال، مسائل حقوقی مرتبط با فضای مجازی به یکی از چالش‌های مهم در نظام حقوقی ایران تبدیل شده است. از نحوه برخورد با فیلترینگ و ابزارهای دور زدن آن گرفته تا مسئولیت پلتفرم‌ها در قبال محتوای کاربران و تعارض میان قوانین داخلی با تعهدات بین‌المللی، همگی از موضوعاتی هستند که ذهن بسیاری از فعالان این حوزه را به خود مشغول کرده‌اند.

در همین راستا، مجله حقوق ما در گفت‌وگویی با بهنام چگینی، دانش‌آموخته حقوق، به بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی پدیده فیلترینگ و مسئولیت پلتفرم‌ها، از جمله چندوچون تمکین پلتفرم‌های خارجی به قوانین ایران، تعارض با تعهدات بین‌المللی و وضعیت فیلترشکن‌ها پرداخته است.

آیا پلتفرم‌ها موظف به رصد پیشگیرانه و فیلتر محتوای کاربران هستند یا تنها پس از

اعلام مقام قضایی مسئولیت دارند؟

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت پلتفرم‌ها نسبت به محتوای کاربران، به‌طور عمده از نوع پسینی است؛ یعنی تا زمانی که از وجود محتوای مجرمانه مطلع نشده‌اند، تکلیف قانونی مشخصی برای رصد یا جلوگیری فعالانه ندارند.

مطابق ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی باید پس از اطلاع از وجود محتوای مجرمانه، دسترسی به آن را مسدود کرده و موضوع جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، آیین‌نامه نحوه فعالیت شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات فضای مجازی

اگر یک پلتفرم داخلی از اجرای دستورات فیلترینگ سر باز زند، با چه مجازات‌هایی مواجه می‌شود؟

در حال حاضر، این پرسش یکی از دغدغه‌های مهم پلتفرم‌های داخلی است. طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، همه پلتفرم‌ها و سامانه‌های فعال در حوزه ارتباطات موظف به رعایت مقررات فضای مجازی هستند. این مقررات شامل قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، آیین‌نامه نحوه فعالیت شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات فضای مجازی

پلتفرم‌ها در تنگنای قانون؛ فیلترینگ، مسئولیت و چالش‌های بین‌المللی



تفسیری به ندرت در دستگاه قضایی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وضعیت قانونی فیلترشکن‌ها در ایران چگونه است و چه مسئولیتی متوجه ارائه‌دهندگان آنهاست؟

وضعیت فیلترشکن‌ها در ایران در مرز میان ممنوعیت ضمنی و عدم جرم‌انگاری صریح قرار دارد. استفاده شخصی از فیلترشکن توسط کاربران عادی به صراحت جرم‌انگاری نشده است. اما تولید، توزیع، فروش یا تبلیغ این ابزارها می‌تواند مشمول مجازات شود.

ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای بیان می‌کند اگر کسی محتوای فیلترشده را به طور غیرمجاز در اختیار دیگران قرار دهد، قابل تعقیب است. همچنین ماده ۷۴۹ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) استفاده یا توزیع ابزارهای ارتکاب جرم رایانه‌ای را جرم تلقی می‌کند.

در فهرست محتوای مجرمانه نیز فروش یا آموزش فیلترشکن‌ها جزو موارد ممنوعه شمرده شده‌اند. در سال‌های گذشته، فروشندگان فیلترشکن در فضای مجازی مورد تعقیب قرار گرفته‌اند و گاهی حتی ارائه خدمات به کاربران خارج از کشور نیز باعث برخورد شده است.

در مجموع، هرچند استفاده فردی از فیلترشکن هنوز به‌تنبه‌ای جرم نیست، اما هر نوع فعالیت تجاری یا آموزشی در این زمینه، در معرض پیگرد قانونی قرار دارد.



حفظ امنیت یا نظم عمومی می‌دهد. در قوانین داخلی نیز اصل ۲۴ قانون اساسی به آزادی مطبوعات اشاره دارد، مشروط بر آنکه خلاف مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند. با این حال، تفسیر این محدودیت‌ها در عمل بسیار موسع و غیرشفاف صورت می‌گیرد. برای نمونه، کارگروه تعیین مصادیق فهرستی از محتوای مجرمانه منتشر کرده که شامل عباراتی کلی مانند «توهین به مقدسات» یا «نشر اکاذیب» است.

طبق ماده ۹ قانون مدنی، معاهدات بین‌المللی که به تصویب مجلس رسیده‌اند، در حکم قانون داخلی هستند. بنابراین تفسیر قوانین داخلی باید با رعایت تعهدات بین‌المللی صورت گیرد. اما در عمل، چنین

محتوا پس از انتشار و نه قبل از آن تأکید دارد. ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای نیز نقش کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در شناسایی و اعلام محتوای ممنوعه مشخص کرده است. بنابراین، مسئولیت نظارتی پلتفرم‌ها پس از اطلاع‌رسانی رسمی آغاز می‌شود و الزامی برای رصد مستمر و پیشگیرانه وجود ندارد.

آیا پلتفرم‌های خارجی می‌توانند با استناد به قوانین بین‌المللی از اجرای دستورات فیلترینگ ایران امتناع کنند؟

از منظر حقوقی ایران، پلتفرم‌های خارجی که به هر نحوی در قلمرو ایران فعالیت دارند، موظف به تبعیت از قوانین داخلی هستند. اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری بر این موضوع تأکید دارد؛ به این معنا که هر جرمی که در خاک ایران رخ دهد، مشمول قانون ایران خواهد بود، حتی اگر توسط تبعه خارجی صورت گیرد.

با این حال، در عمل، بسیاری از پلتفرم‌های خارجی به اصول حقوق بین‌الملل مانند آزادی بیان (ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی) یا قوانین کشور محل فعالیت خود استناد می‌کنند. ایران این استدلال‌ها را نمی‌پذیرد و معتقد است صرف استناد به حقوق بین‌الملل، تعهد پلتفرم‌ها به قوانین داخلی را ساقط نمی‌کند.

نکته قابل توجه آن است که اگر این پلتفرم‌ها هیچ نمایندگی یا زیرساختی در ایران نداشته باشند، امکان اعمال مؤثر قانون از سوی ایران کاهش می‌یابد. از این رو، بسیاری از پلتفرم‌های خارجی بدون تبعیت

از دستورات داخلی، فعالیت خود را ادامه می‌دهند، اگرچه غالباً فیلتر می‌شوند.

چگونه می‌توان تعارض میان قوانین داخلی ایران و تعهدات بین‌المللی در حوزه فیلترینگ و آزادی بیان را تحلیل کرد؟

برای تحلیل این تعارض، باید سه محور بررسی شود: تعهدات بین‌المللی ایران، قوانین داخلی، و نحوه تفسیر تعارض.

ایران در سال ۱۳۵۴ به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته که ماده ۱۹ آن حق آزادی بیان را به رسمیت می‌شناسد. البته این ماده اجازه محدودیت‌هایی را نیز تحت شرایطی خاص مانند



سیروان منصوری

که در آنجا ثبت و فعالیت می‌کنند (معمولا ایالات متحده یا کشورهایی در اروپا). این قوانین، اصولاً حق آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات را به رسمیت می‌شناسند و محدودیت‌های فیلترینگ را تنها در موارد بسیار خاص (نظیر محتوای تروریستی، کودک‌آزاری و...) آن هم با حکم قضایی معتبر و بین‌المللی) مجاز می‌دانند.

درخواست‌های دولت ایران: دولت ایران بر اساس قوانین داخلی خود (مانند قوانین مبارزه با جرایم رایانه‌ای و مصوبات شورای عالی فضای مجازی)، درخواست مسدودسازی یا اعمال فیلترینگ بر محتواهای خاصی را از این پلتفرم‌ها دارد. این محتواها، معمولاً به دلیل مغایرت محتوا با قوانین اسلامی، اخلاق عمومی یا امنیت ملی مطرح می‌شوند.

اینجا است که تضاد قوانین بروز می‌کند. پلتفرم‌های خارجی، معمولاً نمی‌توانند به سادگی درخواست‌های فیلترینگ دولت ایران را اجابت کنند، چرا که این کار ممکن است منجر به نقض قوانین کشور محل ثبت آن‌ها و در نتیجه طرح دعوی از سوی کاربران یا نهادهای حقوق بشری علیه آن‌ها در مراجع قضایی بین‌المللی یا داخلی آن کشورها شود. شرکت‌های خارجی از عواقب حقوقی جدی و خسارات مالی و اعتباری ناشی از این همکاری‌ها، بیمناک هستند (دوم) نقض حریم خصوصی و امنیت داده‌ها:

برخی درخواست‌های فیلترینگ، ممکن است شامل ارائه اطلاعات کاربران یا دسترسی به داده‌های آنان باشد. این موضوع با قوانین سخت‌گیرانه حفاظت از داده‌ها (نظیر جی.دی.پی.آر در اروپا) و سیاست‌های حریم خصوصی خود پلتفرم‌ها مغایرت دارد. پلتفرم‌ها،

در دنیای امروز که مرزهای فیزیکی در مقابل جریان اطلاعات رنگ می‌بازند، فضای مجازی به بستری حیاتی برای ارتباطات، کسب‌وکارها و تبادل اندیشه بدل شده است. اما این گستردگی همواره با چالش‌ها و مسائل حقوقی پیچیده‌ای، به ویژه در موضوع فیلترینگ و مسئولیت پلتفرم‌ها، همراه است. مجله حقوق ما در گفتگو با مسعود کلامی‌مقدم، وکیل دادگستری علاقمند به حوزه حقوق فناوری و حقوق بشر، درباره موضوع فیلترینگ و مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها، با تحلیلی کاربردی پرده از ابهامات حقوقی این موضوع برمی‌دارد. هدف ما تبیین روشن این مسائل با زبانی ساده‌تر است تا ابعاد مختلف حقوقی این موضوعات روشن شود.

چالش‌های قانونی همکاری پلتفرم‌های خارجی (مثل اینستاگرام یا تلگرام) با دولت ایران در خصوص فیلترینگ چیست؟

همکاری پلتفرم‌های خارجی با دولت ایران در زمینه فیلترینگ، از منظر حقوق بین‌الملل و داخلی با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

اول: صلاحیت قضایی و تضاد قوانین:

قوانین حاکم بر پلتفرم‌ها: پلتفرم‌های خارجی مانند اینستاگرام یا تلگرام، تابع قوانین کشورهایی هستند

فیلترینگ و چالش‌های قانونی



متعهد به حفاظت از اطلاعات کاربران خود هستند و ارائه این اطلاعات به دولت‌های خارجی، بدون حکم قضایی معتبر و بین‌المللی می‌تواند آن‌ها را در معرض اتهام نقض حریم خصوصی قرار دهد.

سودم) فقدان مکانیزم حقوقی بین‌المللی موثر: در حال حاضر، هیچ معاهده یا کنوانسیون بین‌المللی جامعی وجود ندارد که چهارچوب مشخصی برای همکاری قضایی و حقوقی دولت‌ها با پلتفرم‌های جهانی در زمینه فیلترینگ محتوا ارائه دهد. فقدان این چهارچوب باعث می‌شود، هرگونه درخواست فیلترینگ از سوی ایران به عنوان یک درخواست حاکمیتی، با سیاست‌ها و قوانین داخلی پلتفرم‌ها و کشورهای مبدأ آن‌ها در تضاد قرار گیرد.

چهارم) تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی: وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، خود به چالش دیگری برای همکاری حقوقی تبدیل شده است. بسیاری از شرکت‌های خارجی به دلیل ترس از نقض تحریم‌ها و عواقب ناشی از آن، از هرگونه همکاری رسمی با نهادهای دولتی ایران خودداری می‌کنند.

به طور خلاصه، پلتفرم‌های خارجی به دلیل تضاد قوانین، تعهد به حفاظت از حریم خصوصی کاربران، فقدان یک چهارچوب حقوقی بین‌المللی روشن و نگرانی از نقض تحریم‌ها، تمایلی به همکاری مستقیم و رسمی با دولت ایران در زمینه فیلترینگ ندارند. هرگونه همکاری نیز، غالباً به صورت یک‌طرفه و از طریق فیلتر کردن کلی دسترسی به آن پلتفرم در ایران (توسط نهادهای داخلی) انجام می‌شود.

ب) ورود خسارت مادی و معنوی صاحبان کسب‌وکار: فیلترینگ پلتفرم‌های حیاتی، برای کسب‌وکارها (مانند اینستاگرام برای بسیاری از مشاغل خرد و متوسط)، می‌تواند منجر به ورود خسارات مادی و معنوی گسترده‌ای شود. این خسارات شامل از دست دادن درآمد، از دست دادن

مشتریان، هزینه‌های بازاریابی جایگزین، و حتی از دست دادن شهرت و اعتبار کسب‌وکار است. کاربران: هرچند خسارت مادی کاربران عادی کمتر قابل اثبات است، اما فیلترینگ می‌تواند منجر به خسارت معنوی نظیر محرومیت از ارتباطات اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و دانش و حتی نقض حقوق شهروندی شود.

دعوی مطالبه خسارت: بر این اساس، صاحبان کسب‌وکار می‌توانند با اثبات رابطه سببیت بین فیلترینگ و خسارت وارده، در مراجع قضایی (دادگاه‌های عمومی حقوقی) علیه نهاد یا نهادهای مسئول فیلترینگ، طرح دعوی مطالبه خسارت نمایند. این نهادها می‌توانند شامل کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، یا سایر نهادهایی باشند که مستقیماً در تصمیم‌گیری و اجرای فیلترینگ نقش داشته‌اند.

ج) چالش‌های حقوقی و عملی، احراز مسئولیت: یکی از چالش‌های اصلی، شناسایی دقیق "نهاد فیلترکننده" و احراز مسئولیت قانونی آن است. در بسیاری از موارد، تصمیمات فیلترینگ توسط کارگروه‌های چندنهادی گرفته می‌شود و مشخص کردن متصدی اصلی دشوار است. مبنای قانونی فیلترینگ: چنانچه فیلترینگ بر اساس یک "حکم قضایی" صادر شده باشد (مثلاً از سوی دادستانی کل کشور)، به دلیل اینکه حکم قضایی لازم‌الاجرا است، امکان اعتراض مستقیم به خود حکم کمتر است، مگر اینکه ایرادات شکلی یا ماهوی جدی به خود حکم وارد باشد. در این صورت،

فیلترینگ بدون حکم قضایی، چه پیامدهای حقوقی و قانونی دارد؟

فیلترینگ بدون حکم قضایی، یعنی اعمال محدودیت بر دسترسی به اطلاعات یا پلتفرم‌ها، بدون طی مراحل قانونی و کسب مجوز از مرجع قضایی صالح، از نظر حقوقی دارای پیامدهای جدی و قابل‌تاملی است:

الف) نقض قانون اساسی و سایر قوانین بالادستی: اصل ۶۳ قانون اساسی: "حکم به مجازات و اجرای آن، باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد." اگرچه فیلترینگ، مستقیماً "مجازات" به معنای عام کلمه نیست، اما به نوعی محدودیت

دسترسی و مجازات غیرمستقیم برای کاربران و دشوار است.

کسب‌وکارها محسوب می‌شود. از سوی دیگر، (ج) فقدان مشروعیت و تضعیف حاکمیت هرگونه محدودیت بر حقوق عمومی، باید بر اساس قانون و با رعایت تشریفات قانونی صورت گیرد.

اصل ۵۲ قانون اساسی: "بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، تجسس در غیر این‌ها ممنوع است مگر به حکم قانون." فیلترینگ گسترده و بدون حکم، مصداق بارز "سانسور" یا "عدم مخابره" است که تنها در صورت وجود "حکم قانون" (نه صرفا دستور اداری) مجاز است.

قانون مطبوعات، قانون جرایم رایانه‌ای و آیین‌نامه‌های اجرایی: این قوانین نیز بر ضرورت وجود حکم قضایی برای اعمال محدودیت بر محتواهای اینترنتی (مانند محتوای مجرمانه) تاکید دارند. فیلترینگ بدون حکم، به نوعی دور زدن این قوانین تلقی می‌شود.

ایجاد مسئولیت حقوقی برای نهادهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی، مسئولیت مدنی: همانطور که پیش‌تر ذکر شد، در صورت ورود خسارت مادی یا معنوی به اشخاص (کاربران، صاحبان کسب‌وکار) ناشی از فیلترینگ بدون حکم قضایی، نهادهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی می‌توانند مورد پیگرد قضایی قرار گیرند و به جبران خسارت محکوم شوند.

مسئولیت کیفری (در موارد خاص): در موارد نادری، اگر فیلترینگ به قصد تضییع حقوق شهروندی یا با سوءنیت و بدون هیچ مبنای قانونی صورت گیرد، ممکن است برای مقامات دستوردهنده، مسئولیت کیفری نیز متصور شود، هرچند اثبات سوءنیت

دسترسی و مجازات غیرمستقیم برای کاربران و دشوار است. (ج) فقدان مشروعیت و تضعیف حاکمیت قانون: فیلترینگ بدون حکم قضایی، مشروعیت اقدامات حاکمیتی را زیر سوال می‌برد و این تلقی را ایجاد می‌کند که محدودیت‌ها بر مبنای سلیقه یا تصمیمات غیرشفاف، و نه بر اساس قانون، اعمال می‌شوند. این امر به تضعیف اعتماد عمومی به حاکمیت، قانون و نهادهای قضایی و اجرایی منجر می‌شود.

ایجاد روبه‌های غیرقانونی و تضییع حقوق شهروندی: روبه فیلترینگ بدون حکم قضایی، می‌تواند به گسترش و تکرار اقدامات فراقانونی منجر شود و حقوق اساسی شهروندان از جمله حق دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان را به صورت مکرر تضییع نماید. این امر با مفهوم دولت قانونمدار در تضاد است.

ناتوانی در توجیه بین‌المللی: در عرصه بین‌المللی، محدودیت بر آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، تنها در موارد بسیار خاص و با رعایت "آزمون سه‌بخشی" (قانونی بودن، ضرورت و تناسب) و معمولا با حکم قضایی معتبر، قابل توجیه است. فیلترینگ بدون حکم قضایی، هیچ توجیه بین‌المللی نخواهد داشت و می‌تواند منجر به انتقادات نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و دولت‌های خارجی شود.

فیلترینگ بدون حکم قضایی، یک اقدام فراقانونی است که نه تنها اصول قانون اساسی و سایر قوانین داخلی را نقض می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به مسئولیت‌های حقوقی (مدنی و در مواردی کیفری) برای عاملان شود، و به مشروعیت نظام حقوقی و اعتماد عمومی خدشه وارد سازد. این نوع فیلترینگ،

نمونه بارزی از نقض حاکمیت قانون است.

اگرچه این اصل بیشتر به مطبوعات اشاره دارد، اما روح آن شامل سایر ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی نیز می‌شود.

آیا فیلترینگ می‌تواند به عنوان نقض حق دسترسی آزاد به اطلاعات یا آزادی بیان مورد اعتراض قرار گیرد؟

بله، قطعاً فیلترینگ، به ویژه فیلترینگ گسترده و بدون توجیه قانونی و قضایی، می‌تواند و باید به عنوان نقض حق دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان مورد اعتراض قرار گیرد. این دو حق، از بنیادی‌ترین حقوق بشر و حقوق شهروندی در جوامع دموکراتیک و قانون‌مدار محسوب می‌شوند و در اسناد حقوقی بین‌المللی و قوانین داخلی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده‌اند؛

* اسناد بین‌المللی حقوق بشر: اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹۱): "هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد؛ این حق شامل آزادی داشتن عقاید بدون مداخله و بدون نظر گرفتن مرزها در جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از طریق هر رسانه‌ای است."

ميثاق بين‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹۱): این ماده نیز حق آزادی بیان را به رسمیت می‌شناسد و محدودیت‌های بر آن را تنها در موارد بسیار خاص (نظیر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت عمومی یا اخلاق عمومی) و با رعایت اصول "قانونی بودن، ضرورت و تناسب" مجاز می‌داند. فیلترینگ گسترده و کلی، معمولا با این اصول سازگار نیست.

الف) مبنای حقوقی اعتراض، حق دسترسی آزاد به اطلاعات: این حق شامل توانایی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها بدون محدودیت‌های دولتی است. این حق برای مشارکت آگاهانه در جامعه، تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی، و شفافیت و پاسخگویی حکومت ضروری است.

ب) اشکال اعتراض: همان‌طور که گفته شد، افراد و اشخاص حقوقی می‌توانند با مراجعه به دیوان عدالت اداری، خواستار ابطال مصوبات فیلترینگ که حقوق آن‌ها را تضییع کرده است، شوند. مبنای این اعتراض، مغایرت مصوبه با قوانین بالادستی (مانند قانون اساسی) یا خروج مرجع از حدود اختیارات قانونی خود است.

ج) مطالبه خسارت: در صورتی که فیلترینگ منجر به ورود خسارت مادی یا معنوی شود، دعوای مطالبه خسارت نیز می‌تواند به عنوان ابزاری برای اعتراض

را مسدود می‌کند. آزادی بیان: این حق شامل آزادی داشتن عقاید، جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه و بدون توجه به مرزها است. فیلترینگ نه تنها امکان بیان عقاید را از بین می‌برد، بلکه از دریافت عقاید دیگران نیز جلوگیری می‌کند.

* قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل ۴۲: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبنای اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند."

اصل ۵۲: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۳: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۴: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۵: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۶: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۷: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۸: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۵۹: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۰: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۱: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۲: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۳: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۴: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۵: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۶: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۷: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۸: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۶۹: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

اصل ۷۰: این اصل که به ممنوعیت سانسور اشاره دارد، مبنای محکمی برای اعتراض به فیلترینگ بدون حکم قضایی است.

و جبران خسارت مورد استفاده قرار گیرد.

* اعتراض مدنی/اجتماعی، بیانیه‌ها و نامه‌ها: سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان حقوق بشر، حقوق‌دانان و گروه‌های صنفی، می‌توانند با صدور بیانیه‌ها و نامه‌های اعتراضی، خواستار بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ شوند.

پویب‌های عمومی: ایجاد پویب‌های عمومی و افزایش آگاهی جامعه نسبت به حقوق خود در زمینه دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان، می‌تواند فشار لازم را برای تغییر سیاست‌ها ایجاد کند.

مراجعه به نمایندگان مجلس: شهروندان می‌توانند با مراجعه به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خواستار نظارت مجلس بر مصوبات و اقدامات فیلترینگ و حتی طرح لوایح یا طرح‌های قانونی برای شفاف‌سازی و محدود کردن اختیارات فیلترینگ شوند.

ج) چالش‌ها و اهمیت اعتراض: هرچند اعتراض به فیلترینگ با چالش‌هایی نظیر عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و قدرت بالای نهادهای فیلترکننده همراه است، اما اهمیت آن در تثبیت و احیای حقوق شهروندی و جلوگیری از تبدیل اقدامات موقتی به رویه‌های دائمی است. اعتراضات مستمر، حتی اگر بلافاصله منجر به رفع فیلترینگ نشوند، می‌توانند به شفاف‌سازی قوانین، ایجاد محدودیت بر اختیارات و در نهایت، تقویت حاکمیت قانون کمک کنند.

فیلترینگ به طور قطع می‌تواند و باید به عنوان نقض حق دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان مورد اعتراض قرار گیرد. این اعتراضات می‌توانند در قالب‌های حقوقی (از طریق مراجع قضایی و اداری) و مدنی (از طریق جامعه مدنی و افکار

عمومی) صورت پذیرند و برای حفظ و احیای حقوق شهروندی، حیاتی هستند.

مسئولیت شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت (آی.اس.پی) در اجرای فیلترینگ چیست و چه ضمانت اجرایی دارد؟

شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنت (آی.اس.پی)ها در ایران، نقش کلیدی و البته حساسی در اجرای فیلترینگ دارند. مسئولیت و ضمانت اجرای این مسئولیت را می‌توان به شرح زیر تشریح کرد:

الف) مسئولیت قانونی (آی.اس.پی)ها در اجرای فیلترینگ: قانون جرایم رایانه‌ای و آیین‌نامه‌های اجرایی: این قوانین و به ویژه آیین‌نامه‌های کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (فیلترینگ)، (آی.اس.پی)ها را مکلف به اجرای دستورات قضایی و مصوبات این کارگروه در خصوص پالایش محتوا و مسدودسازی دسترسی به وبسایت‌ها و خدمات اینترنتی می‌کنند.

مصوبات شورای عالی فضای مجازی: این شورا نیز در مصوبات خود، وظایف و مسئولیت‌هایی را برای (آی.اس.پی)ها در حوزه فیلترینگ و مدیریت ترافیک اینترنت در نظر گرفته است.

مجوزهای فعالیت: در پروانه فعالیت (آی.اس.پی)ها که از سوی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی صادر می‌شود، شروطی در خصوص رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، از جمله دستورات فیلترینگ، قید شده است.

متصدی "سرویس‌دهی" بودن: طبق ماده ۱۲ قانون

جرایم رایانه‌ای، "ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی و سرویس‌دهی، موظف هستند داده‌های ترافیک و محتوای کاربران را مطابق ضوابطی که توسط مراجع ذی‌ربط قانونی تعیین می‌شود، نگهداری نمایند و در صورت درخواست مقامات قضایی، در اختیار آنان قرار دهند." این ماده به صورت ضمنی، وظیفه همکاری با مقامات قضایی در خصوص محتوا را نیز شامل می‌شود.

مسئولیت میزبان: (آی.اس.پی)ها به نوعی میزبان ترافیک و محتوای اینترنتی هستند. بنابراین، مسئولیت آن‌ها در اجرای فیلترینگ، بیشتر جنبه اجرایی و فنی دارد. آن‌ها موظف هستند ابزارها و زیرساخت‌های لازم برای اعمال فیلترینگ را فراهم آورند.

حدود مسئولیت (آی.اس.پی)ها: مسئولیت (آی.اس.پی)ها در قبال محتوای فیلترشده، عموماً "ناشی از اطلاع و عدم اقدام" است. به این معنی که اگر یکی از وجود محتوای مجرمانه آگاه شود و دستور فیلترینگ صادر شود، موظف به اجرای آن است. مسئولیت آن‌ها، مسئولیت "تولیدکننده" یا "ناشر" محتوا نیست، بلکه مسئولیت "مجری" دستورات است.

آن‌ها حق و اختیار تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام محتوا باید فیلتر شود را ندارند، بلکه فقط مجری دستورات صادره از سوی مراجع ذی‌صلاح (مانند کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه یا دادستانی) هستند.

ضمانت اجرایی مسئولیت (آی.اس.پی)ها، جریمه نقدی: عدم رعایت دستورات فیلترینگ، می‌تواند منجر به اعمال جریمه‌های نقدی از سوی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی یا حتی مراجع قضایی شود.

لغو یا تعلیق پروانه فعالیت: این جدی‌ترین ضمانت اجرایی است. در صورت عدم تمکین (آی.اس.پی)ها به دستورات مراجع قانونی در زمینه فیلترینگ، پروانه فعالیت آن‌ها می‌تواند به طور موقت تعلیق یا حتی به طور کامل لغو شود. این امر به معنای توقف کامل فعالیت آن شرکت است که خسارات مالی و اعتباری جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد.

مسئولیت کیفری مدیران (در موارد خاص): در موارد نادری که عدم تمکین به دستورات فیلترینگ به صورت عمدی و با هدف اختلال در امنیت یا سایر جرایم صورت گیرد، ممکن است مسئولیت کیفری نیز متوجه مدیران شرکت‌های (آی.اس.پی) شود.

فشارهای نظارتی: (آی.اس.پی)ها تحت نظارت دایمی سازمان تنظیم مقررات و سایر نهادهای نظارتی هستند که عدم رعایت قوانین را به سرعت شناسایی و اعمال فشار می‌کنند.

(آی.اس.پی)ها در ایران دارای مسئولیت قانونی صریح و روشنی در اجرای دستورات فیلترینگ هستند. این مسئولیت، بیشتر جنبه اجرایی و فنی دارد و آن‌ها به عنوان مجریان دستورات مراجع ذی‌صلاح عمل می‌کنند. ضمانت اجرایی عدم تمکین آن‌ها نیز بسیار سنگین است و می‌تواند از جریمه نقدی تا لغو پروانه فعالیت و حتی مسئولیت کیفری مدیران را شامل شود. این فشارها باعث می‌شود که (آی.اس.پی)ها عملاً چاره‌ای جز تمکین به دستورات فیلترینگ، صرف نظر از مبنای قانونی آن‌ها، نداشته باشند.

سیروان منصورى

گفت‌وگو کرده است.

آیا دستور فیلترینگ باید مستند به دلایل فنی و قضایی شفاف باشد؟

بله، بر اساس اصول حقوقی، دستور فیلترینگ باید مستند به دلایل فنی و قضایی شفاف باشد. این مساله از آن جهت اهمیت دارد که فیلترینگ می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر گردش آزاد اطلاعات، حقوق مصرف‌کنندگان و کسب و کارهای آنلاین بگذارد. اما متأسفانه، ساختار حقوقی اینترنت و فضای مجازی در ایران، مبهم و نامشخص است و قوانین شفاف و دقیقی برای آن تدوین نشده است. شورای عالی فضای مجازی به عنوان مرجع اصلی این حوزه نیز از نظر حقوقی دچار خلاء قانونی است؛ یعنی حدود و وظایف و اختیارات این شورا، به طور کامل تعریف و روشن نگردیده است.

از منظر حقوقی، هر اقدامی که در فضای مجازی صورت می‌گیرد، باید مطابق با اصول قانونی و به‌ویژه بر اساس شواهد معتبر انجام شود. برای مثال، اگر سایتی به دلیل انتشار محتوای خلاف قانون فیلتر می‌شود، باید مستنداتی دال بر نقض قوانین خاص (مانند انتشار مطالب توهین‌آمیز، ضد امنیت ملی یا مسائل اخلاقی موضوع ماده ۱۲ قانون جرایم رایانه‌ای) وجود داشته باشد. به طور کلی، اگر قرار بر فیلترینگ باشد، باید در این زمینه قوانین مشخص و قابل دسترسی وجود داشته باشند تا ضمن احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و اصل تکرر، اطمینان حاصل شود که فیلترینگ

در عصر دیجیتال، اینترنت تنها یک ابزار ارتباطی نیست؛ بلکه بستری حیاتی برای رشد اقتصادی، فرهنگی و مدنی است. با این حال، فیلترینگ و محدودیت‌های گسترده‌ای که در ایران بر فضای مجازی اعمال می‌شود، نه تنها موجب چالش‌های فنی، بلکه باعث پیامدهای حقوقی و اقتصادی گسترده‌ای نیز شده است. شفافیت ناکافی در دستورات فیلترینگ، ابهامات قانونی در خصوص اختیارات نهادهای تصمیم‌گیرنده و دشواری فرآیند اعتراض، همگی به پیچیدگی این موضوع می‌افزایند. در حالی که فیلترینگ مستقیماً حقوق مصرف‌کنندگان و کسب و کارهای دیجیتال را تضییع می‌کند و زیان‌های اقتصادی گسترده‌ای به دنبال دارد، فقدان ساز و کار قانونی مشخص برای جبران این خسارات، ضرورت تدوین قوانین جامع و شفاف و همچنین ایجاد بسترهای لازم برای مسئولیت‌پذیری دولت و نهادهای ذی‌ربط را بیش از پیش نمایان می‌سازد. تنها با توجه به این ابعاد حقوقی و اقتصادی و مشارکت فعال بخش خصوصی و کارشناسان، می‌توان به سمت راه‌حلهایی پایدار و عادلانه در زمینه مدیریت فضای مجازی حرکت کرد.

مجله حقوق ما در رابطه با موضوع فیلترینگ و مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها، ابعاد حقوقی فیلترینگ، فرآیندهای اعتراض، مسئولیت دولت، و راهکارهای جبران خسارت، با دکتر مهدی ولیزاده‌فرد حقوقدان و پژوهشگر،

فیلترینگ اینترنت، مصداق نقض آزادی‌های مشروع شهروندان



به طور منصفانه و طبق معیارهای قانونی انجام می‌شود.

۶۵ آن بیان می‌کند که هر شهروند حق دارد

برای دادخواهی به مراجع قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی آزادانه و بدون مانع دسترسی داشته باشد. این حق، نه تنها برای استیفای حقوق فردی و جمعی، بلکه برای حفظ قانون اساسی و حقوق شهروندی نیز ضروری است.

اما به طور ویژه در خصوص فیلترینگ، افراد یا نهادها می‌توانند از طریق دادگاه‌های عمومی یا سامانه‌ای که از سوی شورای عالی فضای مجازی ایجاد شده است، به این تصمیمات اعتراض کنند. البته، در عمل فرآیند اعتراض پیچیده است و خصوصاً در مورد رفع فیلترینگ پایگاه‌ها و اپلیکیشن‌های خارجی، ممکن است تغییرات زیادی در تصمیمات فیلترینگ ایجاد نشود. به همین دلیل، اعتراض به این دستورات گاهی اوقات به دلیل وجود محدودیت‌های قانونی، کار دشواری است.

آیا امکان پیگیری بین‌المللی برای پلتفرم‌هایی که به دلیل فیلترینگ در ایران خسارت دیده‌اند، وجود دارد؟

ابتدا مایلیم پاسخ این سوال را در بعد داخلی بدهم. فیلترینگ اینترنت، مصداق آشکار «نقض آزادی‌های مشروع شهروندان» است. مطابق اصل ۹ قانون اساسی، حتی با تصویب قانون، نمی‌توان آزادی‌های مشروع را سلب کرد. بر همین اساس، مطابق ماده ۰۷۵ اصلاحی

نقش "کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه" در صدور دستورات فیلترینگ چیست و تصمیمات آن تا چه حد قابل اعتراض است؟

کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، یکی از نهادهای اصلی در فرآیند فیلترینگ در ایران است. این کارگروه بر اساس ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای تشکیل شده و مسئول رسیدگی به شکایات مردمی و همچنین شناسایی و تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در فضای مجازی است. از جمله این مصادیق می‌توان به محتوای توهین‌آمیز، مروج افکار تروریستی، ضد امنیت ملی و نقض حریم خصوصی اشاره کرد. پس از شناسایی این مصادیق، این کارگروه دستور فیلتر کردن وبسایت‌ها یا اپلیکیشن‌های خاص را صادر می‌کند. در واقع، این نهاد به عنوان یک مرجع تصمیم‌گیری در زمینه حفظ نظم و امنیت فضای مجازی معرفی شده است.

در خصوص قابلیت اعتراض به تصمیمات این کارگروه، فرآیندی جهت اعتراض در نظر گرفته شده است، اما باید بررسی کرد که این فرآیند چقدر می‌تواند موثر باشد. در دید کلان، قانون اساسی در فصل سوم، «حقوق ملت» را به طور مشخص تعریف کرده است که باید مورد مطالبه قرار گیرد. اصل ۴۳ قانون اساسی نیز حق دادخواهی را به عنوان حق مسلم هر فرد

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۸۳۱، می‌توان از کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و شورای عالی فضای مجازی شکایت کرد.

اما پیگیری بین‌المللی برای پلتفرم‌هایی که به دلیل فیلترینگ در ایران دچار خسارت شده‌اند، از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. اصولاً اگر پلتفرم‌های خارجی در نتیجه فیلترینگ در ایران خسارت ببینند، می‌توانند اقداماتی

آیا فیلترینگ پلتفرم‌ها می‌تواند مصداقی از نقض حقوق مصرف‌کننده یا حقوق کسب‌وکارهای دیجیتال باشد؟

قطعاً چنین است. در واقع، بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین و استارت‌آپ‌ها، به پلتفرم‌های خارجی مانند اینستاگرام، توئیتر و فیسبوک وابسته هستند. فیلتر شدن این پلتفرم‌ها، می‌تواند موجب ایجاد مشکلات جدی برای این کسب‌وکارها، از جمله اختلال در ارتباط با مشتریان، کاهش درآمد و حتی تعطیلی برخی کسب‌وکارها شود. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان نیز از دسترسی به برخی خدمات یا محصولات محروم می‌شوند که به نقض حقوق آنان منجر می‌شود.

برای تایید این موضوع، شواهد آماری روشنی وجود دارد. گزارش اخیر مرکز آمار ایران، نشان می‌دهد که شغل ۱۱ میلیون نفر از ایرانیان به شبکه‌های اجتماعی وابسته است. این آمار، نشان‌دهنده تاثیر قابل توجه شبکه‌های مجازی در اقتصاد دیجیتال کشور است. به طوری که ۳۸ درصد از درآمد کسب‌وکارهای تجارت

برای پیگیری حقوقی انجام دهند. بسیاری از پلتفرم‌های بزرگ بین‌المللی، به ویژه در اروپا و ایالات متحده، از طریق قوانین حقوقی خاصی که به تجارت بین‌المللی و حقوق بشر مرتبط هستند، ممکن است بتوانند به طور غیرمستقیم از طریق مراجع بین‌المللی مانند سازمان ملل یا دیوان بین‌المللی دادگستری پیگیر حقوق خود شوند. همچنین در خصوص وبسایت‌ها و پلتفرم‌های خارجی که مدیر آن‌ها درخواست رفع فیلتر را مطرح نکرده‌اند، ممکن است کاربران ایرانی به دلایلی، نیاز فوری به اطلاعات و محتوای موجود در آن‌ها را داشته باشند که در چنین شرایطی، شهروندان به عنوان کاربران سایت‌های فیلترشده، قادر هستند از طریق

درگاه‌های موجود، درخواست رفع فیلتر سایت مورد نظر خود را ارائه دهند.

در عمل اما، این پیگیری‌ها با چالش‌های زیادی روبرو است. به طور معمول در حوزه بین‌المللی، تصمیماتی که از سوی نهادهای بین‌المللی گرفته شود، از سوی ایران بدون پاسخ می‌ماند. از سویی دیگر، تصمیمات مراجع بین‌المللی،



الکترونیک، از طریق اینستاگرام به دست می‌آید. این در حالی است که ۵۶ درصد از مردم ایران به طور کلی از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها استفاده می‌کنند. نکته مهم این است که در حال حاضر، تنها کمتر از ۵ درصد کسب‌وکارها از پیام‌رسان‌های داخلی برای درآمدزایی استفاده می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که پلتفرم‌های خارجی، همچنان بخش عمده‌ای از اقتصاد دیجیتال ایران را در اختیار دارند و فیلترینگ آن‌ها، تاثیر مخربی بر معیشت بخشی از مردم دارد.

همچنین در حقوق مصرف‌کننده، یکی از اصول مهم «آزادی انتخاب» است. فیلترینگ و محدود کردن دسترسی به پلتفرم‌ها، می‌تواند این حق را تحت تاثیر قرار دهد. علاوه بر این، همانطور که طبق آمار اشاره کردیم، در حوزه کسب‌وکارهای دیجیتال، این محدودیت‌ها می‌توانند به عنوان یک مانع برای رقابت و نوآوری عمل کنند و در نهایت به آسیب به اقتصاد دیجیتال منجر شوند. بنابراین، این نوع فیلترینگ می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نقض حقوق مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارهای دیجیتال منتهی شود.

چه راهکارهای قانونی برای جبران خسارات ناشی از فیلترینگ به کسب‌وکارهای آنلاین وجود دارد؟
در حال حاضر، متأسفانه چارچوب قانونی

مشخصی برای جبران این دسته از خسارات وجود ندارد. اما به طور کلی، برای جبران خسارات ناشی از فیلترینگ به کسب‌وکارهای آنلاین، ابتدا لازم است تا یک چارچوب قانونی و سیاستی روشن در خصوص مسئولیت دولت در قبال این نوع خسارات تعیین شود. دولت‌ها به‌عنوان نهادهای مسئول در قبال حفاظت از حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان، موظف به جبران خسارات ناشی از فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنتی هستند. از منظر مسئولیت مدنی، اعمال محدودیت‌های اینترنتی

را جبران کند و به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، امکان بازگشت به چرخه فعالیت اقتصادی را بدهد. این پیشنهاد از آن جهت مهم است که مسئولیت‌پذیری سیاست‌گذاران را تقویت کرده و به طور شفاف، هزینه‌های سیاست‌های نادرست را مشخص می‌کند. به این ترتیب، این صندوق می‌تواند به عنوان یک ابزار قانونی، موجب کاهش آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از اختلالات و محدودیت‌های اینترنتی گردد.

از سوی دیگر، برای حفظ حقوق عامه، لازم است که دولت به ویژه در سیاست‌گذاری‌های مربوط به فضای آنلاین، به نظرات و مشاوره‌های کارشناسی و غیردولتی توجه بیشتری داشته باشد. یک راهکار قانونی دیگر، می‌تواند تقویت و ارتقای نقش بخش خصوصی و نهادهای صنفی مرتبط مانند «نظام صنفی رایانه‌ای کشور» در فرآیند سیاست‌گذاری و

بدون توجه به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، به نقض حقوق کسب‌وکارها و شهروندان منجر می‌شود و بر اساس اصول حقوقی، دولت باید در قبال خسارات ناشی از اقدامات خود پاسخگو باشد. یکی از مهم‌ترین راهکارهای قانونی که در این زمینه مطرح شده، ایجاد صندوق جبران خسارت فیلترینگ است. اخیراً چند نماینده مجلس، طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور درخواست تشکیل این صندوق را دادند. از نظر ایشان، این صندوق می‌تواند خسارات وارده به کسب‌وکارها و کاربران

تصمیم‌گیری باشد. این اقدام می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر و عملی‌تر در مورد محدودیت‌های اینترنتی و جلوگیری از اثرات منفی آن بر کسب‌وکارهای آنلاین گردد. به طور کلی، بازسازی اعتماد میان دولت و مردم و استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود، می‌تواند در جبران خسارات ناشی از فیلترینگ موثر واقع شود. با این حال، در شرایط فعلی و در عمل، چالش‌های قانونی و سیاسی زیادی وجود دارد که ممکن است روند جبران خسارت را دشوار کند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net